



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



اِقْلَابُكَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انقلاب قرآنی

نویسنده:

معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

ناشر چاپی:

اسوه - سازمان اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	انقلاب قرآنی
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۰	فهرست
۱۲	ضرورت مطالعه ی انقلاب اسلامی
۱۵	ضعف در تبیین انقلاب
۱۹	مبانی فکری انقلاب اسلامی
۱۹	اشاره
۲۰	توحید
۲۶	تکریم انسان
۲۹	معاد باوری
۳۲	باور به استعدادهای انسان
۳۳	جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح
۳۷	اهداف انقلاب اسلامی
۳۷	اشاره
۳۸	منظومه ی اهداف
۴۳	نسبت آرمان گرایی با واقع بینی
۴۴	رابطه ی «تکلیف مداری» با «دنبال نتیجه بودن»
۴۷	فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی
۴۷	اشاره
۴۷	انقلاب اسلامی
۴۹	نظام اسلامی
۵۱	دولت اسلامی

۵۲	کشور اسلامی
۵۳	تمدن اسلامی
۵۶	موانع انقلاب اسلامی
۵۶	اشاره
۵۶	ماهیت موانع
۵۸	دسته بندی دشمنان و موانع
۵۸	اشاره
۵۸	الف. دشمن بیرونی
۵۸	اشاره
۵۹	اشاره ای به معنای استکبار
۶۰	چهار علت دشمنی استکبار جهانی با انقلاب اسلامی
۶۵	ب. دشمن درونی
۶۵	اشاره
۶۷	لزوم مبارزه با دشمن درونی
۷۱	اهمیت حفظ انقلاب اسلامی
۷۱	اشاره
۷۲	حفظ انقلاب؛ حفظ اسلام
۷۳	لوازم صیانت از انقلاب
۷۹	درباره مرکز

ناشر، تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان غیرقابل فروش / اهدایی

آدرس مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده شاه سیدعلی

مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگی و اجتماعی

تلفن: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۵۶

سایت سازمان: www.oghaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

ص: ۱

اشاره

۶ ضرورت مطالعه ی انقلاب اسلامی
۹ ضعف در تبیین انقلاب
۱۲ مبانی فکری انقلاب اسلامی
۱۴ توحید
۲۰ تکریم انسان
۲۳ معاد باوری
۲۶ باور به استعداد های انسان
۲۷ جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح
۳۱ اهداف انقلاب اسلامی
۳۲ منظومه ی اهداف
۳۷ نسبت آرمان گرایی با واقعینی
۳۸ رابطه ی «تکلیف مداری» با «دنبال نتیجه بودن»

- فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی ۴۰
- انقلاب اسلامی..... ۴۱
- نظام اسلامی..... ۴۳
- دولت اسلامی..... ۴۵
- کشور اسلامی ۴۶
- تمدن اسلامی ۴۷
- موانع انقلاب سلامی..... ۴۹
- ماهیت موانع ۵۰
- دسته بندی دشمنان و موانع ۵۲
- الف. دشمن بیرونی ۵۲
- اشاره ای به معنای استکبار..... ۵۳
- چهار علت دشمنی استکبار جهانی با انقلاب اسلامی..... ۵۴
- ب. دشمن درونی..... ۵۹
- لزوم مبارزه با دشمن درونی ۶۱
- اهمیت حفظ انقلاب اسلامی ۶۵
- حفظ انقلاب؛ حفظ اسلام..... ۶۶
- لوازم صیانت از انقلاب..... ۶۷

اگرچه در دوران کنونی و در قرن بیستم میلادی، در سرتاسر عالم انقلاب های گوناگونی به وجود آمد، اما همه چیز انقلاب اسلامی ایران استثنایی بوده و با انقلاب های دیگر قابل مقایسه نیست. (۱) انقلاب اسلامی، نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی و نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی و سیاسی است؛ بلکه مثل خود اسلام، یک انقلاب همه جانبه است. همان طوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی و الهی دارد و در عین حال ناظر به زندگی مردم بوده و در آن ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف است. راز ماندگاری و روزبه روز زنده تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای

بشر متوازن و همراه می باشد. (۲)

ص: ۶

۱- خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۲۰ / ۱۱ / ۱۳۶۸ .

۲- بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۴ / ۰۳ / ۱۳۸۷ .

درباره حادثه‌ی پیروزی انقلاب حرف‌های زیادی زده شده و در طول این سال‌ها مطالبی بسیاری بیان گردیده؛ اما حقیقت این است که هنوز اهمیت، عظمت و ابعاد این حادثه برای خود ما نیز درست روشن نیست. ما می‌دانیم و می‌بینیم این حادثه خیلی عظیم است؛ اما تا وقتی نزدیک هستیم،

درست نمی‌توانیم ابعاد آن را درک کنیم. تاریخ قضاوت خواهد کرد. کسانی که این حادثه را از دور می‌بینند و می‌توانند آن را در مجموع حوادث تاریخی

مشاهده کنند، به عنوان یک لحظه تاریخی می‌فهمند این حادثه چقدر عظیم است. (۱) ما اگرچه با همه‌ی وجود این انقلاب را لمس کرده ایم، اما تحلیل و

قضاوتمان درباره‌ی آن کمتر از بیگانگانی است که از دور و نزدیک، با این انقلاب ارتباط پیدا کردند. البته در میان بیگانگان تحلیلگر و قضاوت‌کننده، عدّه‌ی زیادی بودند و هستند که با دیدگاهی مغرضانه وارد شدند. با این حال

ص: ۷

حقیقتاً باید اعتراف کنیم که امروز تحلیل و تفسیر انقلاب، کاری است که دشمنان انقلاب بیشتر از ما به آن پرداخته اند. البته قصد آن ها از این تحلیل و

تفسیر این بوده که پیام انقلاب را عوض کنند و حقیقتی را که به دست خود ملت اتفاق افتاده و در منظر آن هاست، غلط جلوه دهند.^(۱)

یقیناً اغلب ما هنوز نمی دانیم چه کار عظیمی انجام گرفته است. این انقلاب، حادثه‌ی فوق العاده و عجیبی است. همه‌ی دنیای استکبار و طغیان

و جاهلیت یک طرف و این انقلاب طرف دیگر. واقعه‌ی خیلی مهمی اتفاق افتاده است و در خودش این کفایت را می بیند که به مصاف تمام طغیان و

کفر جهانی برود. ما در این انقلاب قرار گرفته ایم و نمی فهمیم چه قدر بزرگ و مهم است.^(۲)

ص: ۸

۱- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۷۳ .

۲- همان.

این انقلاب، با این عظمت و ابعاد و آثار عملی، از لحاظ ارائه ی مبانی فکری خودش، یکی از ضعیف ترین و کم کارترین انقلاب ها و بلکه تحولات دنیاست. وقتی انقلاب اکتبر تحقق پیدا می کند، در طول ده پانزده سال، آن قدر کتاب و فیلم و قصه و جزوه در سطوح مختلف راجع به مبانی فکری این انقلاب نوشته می شود که در کشورهایی که باد آن انقلاب به آن ها رسیده، دیگر مردم احتیاجی ندارند از کتاب های آن ها استفاده کنند! آن قدر فضای ذهنی پر شده است که روشن فکرهای کشورهای دیگر می نشینند و راجع به مبانی ارزشی و فکری آن ها کتاب می نویسند! به همین دلیل در دهه های گذشته، در ایران درباره ی مبانی فکری انقلاب شوروی، به زبان

فارسی کتاب های زیادی نوشته شد. صاحبان آن انقلاب آن قدر نوشتند که روشن فکریهایی که در اینجا به نحوی از لحاظ فکری با آن ها ارتباط پیدا می کردند، به جهت اندیشه اشباع می شدند و بعد یک آدم مثلاً دست به قلم و

روشن فکر، بر اساس جوشش فکری خود مطالبی - غیر از ترجمه های فراوانی که از آثار آن ها می شد - می نوشت.

ما چه کار کردیم؟ کاری که ما در این زمینه کردیم، واقعا خیلی کم است. گاهی انسان دلش نمی آید که بگوید در حد صفر؛ چون واقعاً کسانی با اخاص کارهایی کرده اند؛ اما اگر نخواهیم ملاحظه ی این جهات عاطفی را بکنیم، باید بگوییم یک ذره بیشتر از صفر و خیلی خیلی کم کار شده است.

البته، این کم کاری دلایلی دارد مانند اینکه بعضی از روشن فکران و متفکران اصلی را در همان اول انقلاب از ما گرفتند و بعضی از آن ها نیز مشغول کارهای

گوناگون اجرایی شدند؛ اما اساس قضیه این است که ما تولید نکردیم.

می بایست در طول سال هایی که از انقلاب گذشت، صدها نویسنده ی اسلامی، مبانی اسلامی انقلاب ما را نوشته و منتشر می کردند. [\(۱\)](#) البته تا کنون

ص: ۱۰

۱- بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضیای حوزه ی علمیه ی قم، ۰۷ / ۰۹ / ۱۳۶۸

چنین کاری نشده و اگر هم شده، اندک است؛ اما انجام نشدن این کارها نباید مانع فهمیدن حقایق از طرف جوانان گردد. جوانان باید حرف هایی را که از طرف بزرگان انقلاب راجع به انقلاب، در طول این سال ها زده شده است، بشنوند و آن ها را مورد تأمل قرار دهند.^(۱)

ص: ۱۱

۱- بیانات در خطبه های نماز جمعه ، ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۷۳ .

انقلاب اسلامی و حرکت آن و وظایف ما نسبت به آن بر پایه ها و مبانی مشخصی استوار است. این خصوصیت تفکر و مکتب اسلامی و دینی است. آن مبنای فکری چیست؟

به طور کوتاه و خلاصه از اینجا باید شروع کنیم و ببینیم که خطوط اصلی تلقی و بینش اسلام از کائنات، عالم و از انسان چیست. البته این مخصوص اسلام هم نیست. همه ی ادیان اگر تحریف نشده باشند در مبنای صحیح و ریشه ی اصلی خودشان همین بینش را دارند. اسلام سالم و دست نخورده و متکی به منابع متقن، در اختیار ماست. بقیه ی ادیان ممکن است این خصوصیات را نداشته باشند. آن

مجموعه ی معارفی که خطوط اصلی عملکرد و وظایف ما از آن ها به دست می آید یعنی جهان بینی و بینش اسلامی فصول متعددی دارد که به پنج نقطه ی مؤثرتر و مهم تر آن اشاره می شود. (۱)

ص: ۱۳

لُبُّ روح و حقیقت اسلام، توحید است (۱). انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است و محتوای این اصل در همه شئون جامعه سایه می افکند. (۲) بنای توحید مبنای فکری و اعتقادی و اجتماعی و عملی ماست. (۳) توحید، یعنی اعتقاد به اینکه این ترکیب پیچیده ی بسیار عجیب و شگفت آور و قانونمند کائنات و عالم آفرینش،

از کهکشان ها و سحابی ها و حفره های عظیم آسمانی و کرات بی شمار و میلیون ها منظومه ی شمسی بگیرد تا سلول کوچک و ترکیب ریز

شیمیایی، ساخته و پرداخته ی یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است. نقطه ی بعدی اینکه این فکر و تدبیر و اندیشه و قدرت عظیم و بی نهایت و توصیف ناپذیری که این ترکیب عجیب و پیچیده را به وجود آورده، فلان بت ساخته ی بشر، یا فلان انسان محدود مدعی خدایی، یا فان سمبل و نماد افسانه ای و اسطوره ای نیست؛ ص: ۱۴

۱- بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۶ / ۰۱ / ۱۳۷۴ .

۲- صحیفه امام، ج ۵، ص ۸۱. [مصاحبه با روزنامه «السفیر» پیرامون انقلاب، ابرقدرت ها و رژیم صهیونیستی]

۳- بیانات در دیدار با جمع کثیری از دانشجویان و طلاب حوزه های علمیه، ۲۹ / ۰۹ / ۱۳۶۸ .

بلکه ذات واحد مقتدر لایزالی است که ادیان به او «خدا» می گویند و او را با آثارش می شناسند؛ «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (۱)

مبنای توحید و اعتقاد به وحدانیت حضرت حق جل و علا، در تمام شئون فردی و اجتماعی جامعه ی اسلامی تأثیر می گذارد و آن را به صورت یک جامعه ی هماهنگ و مرتبط به یکدیگر و متصل و برخوردار از وحدت - وحدت جهت و وحدت حرکت و وحدت هدف - می سازد. این جوامع، نقطه ی مقابل تأثیر شرک و

مشرکان و آلهه ی شرک آفرین هستند. (۲) جامعه ای که بر مبنای شرک باشد، میان آحاد و طوایف انسان، یک دیوار غیرقابل نفوذ و یک دره ی جدایی غیرقابل وصل وجود دارد. درست به عکس آن در جامعه ی توحیدی، که وقتی مبدأ و صاحب هستی و

سلطان عالم وجود و حی و قیومی و قاهری که همه ی حرکات و پدیده های عالم، مرهون اراده و قدرت او می باشد، یکی است، انسان ها - چه سیاه و چه سفید و چه نژادهای گوناگون و وضعیت اجتماعی مختلف - با یکدیگر خویشاوندند؛ چون به

ص: ۱۵

۱- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲ .

۲- بیانات در دیدار با جمع کثیری از دانشجویان و طلاب حوزه های علمیه، ۱۳۶۸/۰۹/۲۹ .

آن خدا وصلاند، به یکجا متصلاند و از یکجا مدد و کمک می گیرند. این، نتیجه ی قهری اعتقاد به توحید است.

در این دیدگاه، نه فقط انسان ها به یکدیگر مرتبطاند، بلکه با نگاه و نگرش توحیدی، اشیا و اجزای عالم و حیوانات و جمادات و آسمان و زمین و همه چیز،

به یکدیگر متصل و مرتبطاند و همه با انسان خویشاوندند. بنابراین، همه ی آنچه که انسان می بیند و احساس و درک می کند، یک افق و یک عالم و یک مجموعه است که در یک دنیای سالم و یک محیط امن قرار می گیرد. اینکه در قرآن می فرماید:

«يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ»، کسانی که به خدا ایمان پیدا کنند، خداوند آن ها را هدایت می کند و به راه های سلم و همزیستی سوق می دهد، به خاطر مبنای توحیدی جامعه ی اسلامی است.

ولایت هم معنایش همین است. ولایت، یعنی پیوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیرقابل انفصال انفکاک. جامعه ی اسلامی که دارای ولایت است،

یعنی همه ی اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه یعنی ولی، متصل است. لازمه ی همین ارتباط و اتصال است که جامعه ی اسلامی در درون خود یکی است و متحد و مؤتلف و متصل به هم است و در بیرون نیز اجزای مساعد با خود را

جذب می کند و اجزایی را که با آن دشمن باشند، به شدت دفع می کند و با آن معارضه می نماید. یعنی « أَشَدَّاءُ عَلَيَّ الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ » لازمه ی ولایت و توحید جامعه ی اسلامی است. (۱)

ولایت، نشانه و سایه ی توحید است. ولایت، یعنی حکومت؛ چیزی است که در جامعه ی اسلامی متعلق به خداست و از خدای متعال به پیامبر و از او به ولی مؤمنین می رسد. (۲)

توحید یک معنای شامل و عام و سایر در طول تاریخ است. معنا و روح توحید عبارت است از اینکه انسان از غیر خدا عبودیت نکند و در مقابل غیر خدا، جبهه ی

بندگی به زمین نساید. این معنای عبودیت کامل و خالص است. قید و بندهایی که به بشر بسته می شود، هر یک نوعی عبودیت برای انسان به وجود می آورد. عبودیت نظام های اجتماعی غلط، عبودیت آداب و عادات غلط، عبودیت خرافات، عبودیت اشخاص و قدرت های استبدادی، عبودیت هواهای نفسانی - که این از همه رایج تر است - و عبودیت پول، زر و زور. این ها انواع عبودیت است. وقتی می گوئیم « لا إله

إِلَّا اللَّهُ، وحده لا شریک له»، یعنی توحید خالص. معنایش این است که همه ی

ص: ۱۷

۱- همان.

۲- بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۰۱/۰۲

این عبودیت‌ها به کنار رود که اگر چنین شود، فلاح و رستگاری، حقیقتاً حاصل خواهد شد. اینکه فرمود: «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا»، این فلاح یک فلاح حقیقی

است. فقط فلاح سیاسی نیست، فقط فلاح اجتماعی نیست، فقط فلاح معنوی نیست، فقط فلاح روز قیامت نیست؛ بلکه فلاح دنیا و آخرت است. (۱) از بزرگ‌ترین مظاهر شرک در عصر حاضر، تفکیک دنیا از آخرت و زندگی مادی از عبادت و دین از سیاست است. گویی خدای دنیا- معاذ الله- جباران و زورگویان و چپاولگران و بر قدرت‌ها و جنایت‌کارانند و استضعاف و استعباد و استثمار خلاق و علو و استکبار نسبت به بندگان خدا حق مسلم آن‌هاست و همگان باید پیشانی اطاعت بر آستان تفرعن آن‌ها ساییده و در برابر زورگویی و غارتگری و میل و اراده‌ی بی‌مهار آنان تسلیم باشند و اعتراض نکنند. (۲)

توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هر کس به جز خدا؛ یعنی گسستن بندهای سلطه‌ی نظام‌های بشری؛ یعنی شکستن طلسم ترس از قدرت‌های شیطانی و مادی؛ یعنی تکیه بر اقتدارات بی‌نهایتی که خداوند در نهاد انسان

ص: ۱۸

۱- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث، ۱۳۷۳/۱۰/۱۰.

۲- پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۶۸/۰۴/۱۴.

قرار داده و از او به کارگیری آن‌ها را همچون فریضه‌ای تخلف‌ناپذیر، طلب کرده است؛ یعنی اعتماد به وعده‌ی الهی در پیروزی مستضعفین بر ستمگران و مستکبرین به شرط قیام و مبارزه و استقامت؛ یعنی دل بستن به رحمت خدا و نهراسیدن از احتمال شکست؛ یعنی استقبال از زحمات و خطراتی که در راه تحقق وعده‌ی الهی، آدمی را تهدید می‌کند؛

یعنی مشکلات راه را به حساب خدا گذاشتن و خود را به پیروزی حتمی و نهایی امیدوار داشتن؛ یعنی در مبارزه، چشم به هدف عالی که نجات جامعه از هرگونه ستم و تبعیض و جهل و شرک است دوختن و عوض نا کامی‌های شخصی و میان راهی را نزد خدا جستن؛ و خاصه یعنی خود را مرتبط و متصل به اقیانوس لایزال قدرت و حکمت الهی دیدن

و به سمت هدف اعلی، با امید و بی‌تشویش شتافتن. همه‌ی عزت و اعتلایی که به مسلمین وعده داده شده، در سایه‌ی چنین ایمان و درک روشن و عمیقی از توحید است. (۱)

توحید یعنی نفی همه‌ی قدرت‌هایی که به نحوی جسم و جان آدمی را در قبضه‌ی اقتدار خویش گرفته‌اند و اثبات حاکمیت مطلق الهی بر همه‌ی وجود و به عبارت روشن و آشنا:

حاکمیت نظام اسلامی و مقررات اسلامی بر زندگی فردی و اجتماعی مسلمین. (۲)

ص: ۱۹

۱- پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۰ / ۰۳ / ۱۳۶۹ .

۲- پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۲۵ / ۰۲ / ۱۳۷۳ .

انقلاب اسلامی حرف نویی را به میان آورد. قسمت اعظم این حرف نو توحید بود؛ با معنای عمیق و دقیق و همه جانبه ی آن. توحید یعنی حا کمیت ارزش های الهی بر جامعه و نفی حکومت های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیان گر بر ارزش های انسانی

و اصلیل. بنابراین توحید ستون فقرات و رکن اساسی شعار اسلامی و پیام انقلاب اسلامی بود. (۱) اعتقاد به توحید، سازنده ی این عالم و سازنده ی زندگی است. هرچه ما به سمت توحید و عبودیت لله پیش برویم، شر طواغیت و اُنداد الله از سر ما بیشتر کم خواهد شد.

این، خاصیت توحید و خاصیت عبودیت لله است؛ این، آن رکن اول است. (۲)

تکریم انسان

رکن دوم، تکریم انسان است؛ یا می توانیم به آن بگوییم انسان محوری. البته انسان محوری در بینش اسلامی، به کلی با اومانیسیم اروپای قرون هجده و نوزده متفاوت است؛ این ها فقط در اسم شبیه هم هستند. انسان محوری اسلام، اساساً اومانیسیم اروپایی نیست. کسی که قرآن و نهج البلاغه و آثار دینی را نگاه کند، این

ص: ۲۰

۱- بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه های استان زنجان ، ۲۲ / ۰۷ / ۱۳۸۲.

۲- بیانات در دیدار مسئولان و کار گزاران نظام جمهوری اسلامی ، ۲۱ / ۴ / ۱۳۷۷.

تلقى را به خوبی پیدا می کند که از نظر اسلام، تمام این چرخ و فلک آفرینش، بر محور وجود انسان می چرخد؛ «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» مسخر شمایند، یعنی چه؟ یعنی الان بالفعل شما مسخر همه شان هستید و نمی توانید تأثیری روی آن ها بگذارید؛ اما بالقوه طوری ساخته شده اید و عوالم وجود و کائنات به گونه ای ساخته شده اند که همه مسخر شمایند. مسخر یعنی چه؟ یعنی توی مشت شمایند و شما می توانید از همه ی آن ها به بهترین نحو استفاده کنید. این نشان دهنده ی آن است که این موجودی که خدا آسمان و زمین و ستاره و شمس و قمر را مسخر او می کند، از نظر آفرینش الهی بسیار باید عزیز باشد. همین عزیز بودن هم تصریح شده است؛ «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ». این تکریمی است که هم شامل مرحله ی تشریح و هم شامل مرحله ی تکوین است؛ تکریم تکوینی و تکریم تشریحی با آن چیزهایی که در حکومت اسلامی و در نظام اسلامی برای انسان معین شده؛ یعنی پایه ها کاملاً پایه های انسانی است. (۱) هیچ

مکتبی به قدر اسلام، ارزش و کرامت انسان را والا نمی داند. یکی از اصول اسلامی که همیشه در تعریف و معرفی اسلام مطرح شده است، اصل «تکریم انسان» است. (۲)

ص: ۲۱

-
- ۱- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.
 - ۲- بیانات در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س)، ۱۳۷۱ / ۰۹ / ۲۵.

در مکتب سیاسی امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه‌ی ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره‌ی سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند. لذا مردم سالاری

در مکتب سیاسی امام بزرگوار ما- که از متن اسلام گرفته شده است- مردم سالاری حقیقی است؛ مثل مردم سالاری آمریکایی و امثال آن، شعار و فریب و اغواگری ذهن‌های مردم نیست. (۱)

در نظام جمهوری اسلامی، تکریم شأن انسان، ارزش دادن به انسان، رشد دادن انسان، انسان را در کار شایسته‌ی خودش به کار گرفتن و نیروهای او را در خدمت اهداف متعالی جوشاندن، از گرایش‌های اصولی است. (۲) جامعه‌ای که در یک مجموعه‌ی جغرافیایی و سیاسی زندگی می‌کند، کرامتش اقتضا می‌کند که آزاد و مستقل باشد و استعداد او شکوفا شود؛ بر سرنوشت خود مسلط باشد؛ مورد تحقیر و

اهانت قرار نگیرد و شخصیت ذاتی او بروز کند. (۳) در نحوه‌ی اداره‌ی کشور و ارتباط با

ص: ۲۲

-
- ۱- بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۸۵/۰۳/۱۴.
 - ۲- بیانات در دیدار با مسئولان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹ / ۰۵ / ۷.
 - ۳- بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان زنجان، ۱۳۸۲ / ۰۷ / ۲۲.

انسان ها، عزت ملی به این است که تک تک انسان ها در یک جامعه مورد احترام قرار بگیرند؛ « اما اخ لك في الدين و اما نظير لك في الخلق».(۱)

معاد باوری

سومین نقطه ی اصلی و اساسی در جهان بینی اسلامی، مسئله ی تداوم حیات بعد از مرگ است؛ یعنی زندگی با مردن تمام نمی شود. در اسلام و البته در همه ی ادیان الهی این معنا هم جزو اصول جهان بینی است و تأثیر دارد؛ تمام این اصول جهان بینی، در تنظیم روابط زندگی و در تنظیم پایه های حکومت اسلامی و اداره ی جامعه و اداره ی عالم مؤثر است. بعد از مرگ، ما وارد مرحله ی جدیدی می شویم. این طور نیست که انسان نابود شود؛ از جوی جستن و رفتن به یک مرحله ی دیگر است؛ و بعد

در آن مرحله، مسئله ی حساب و کتاب و قیامت است.(۲) ما این مسیر زودگذر زندگی را به هر تقدیر طی می کنیم و به دروازه ی ورود به عالم دیگر قرار می گیریم؛ در اینجا ماندنی نیستیم. لحظه ی مرگ، لحظه ی شروع به سؤال و مؤاخذه است. از همان

ص: ۲۳

-
- ۱- بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۴ / ۰۳ / ۱۳۸۸ .
 - ۲- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۲ / ۰۹ / ۱۳۷۹ .

لحظه ی اول از ما سؤال می کنند؛ چه کردید، چرا کردید، چگونه کردید؟(۱)

دنیا برای فعالیت، کار، سازندگی، مبارزه و ساخته شدن به دست انسان هاست.

همه ی این فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، مبارزاتی و علمی و تحقیقاتی برای انسان لازم است. هر کس بر حسب نوبت، فرصت و سهمی که دارد، باید کار خود را در این زمینه ها انجام دهد. در این شکی نیست؛ اما فراتر از همه ی این ها یک نکته ی معنوی و الهی است و آن این است که شما در مسئولیتی که بر عهده می گیرید؛ چه کار سیاسی باشد، چه کار علمی باشد، چه درس خواندن و درس دادن باشد، چه تحقیق و پژوهش باشد، چه ساختن و بنا کردن باشد و چه ویران کردن پایه های فساد و تباهی، باید یکی از این دو صورت باشید: کاری که می کنید شما

را در آن سیر معنوی که اساس خلقت انسان برای آن است و بقیه چیزها مقدمه اند، یا پیش می برد و یا از آن باز می دارد. یکی از این دو صورت است و شقّ سوم ندارد.

همه ی تلاش ادیان الهی و سلوک معنوی و سعی پیغمبران و شهادت های مردان بزرگ خدا برای این است که بشر را به راه اول بکشانند و در صراط مستقیم قرار دهند.

یعنی بشر به سمت خدا حرکت کند، عروج معنوی و کمال انسانی بیابد، با خدا آشنا

ص: ۲۴

شود و آینده‌ی خود را که همان مرحله‌ی اساسی حیات بعد از مرگ است و بقیه مقدمه‌ی آن است، تأمین کند. «الدنیا مزرعه‌ی الآخره»؛ من و شما در اینجا برای حیات ابدی مقدمه چینی می‌کنیم. (۱)

وقتی انسان می‌داند که مرگ عبارت از عروج به ملکوت الهی و پیوستن به ارواح اولیاست، چه اهمیت می‌دهد که کی این مرگ فرا برسد؟ مرگ برای او، عبور از یک مرحله است؛ هرچه هست در یک لحظه است؛ بعد نعیم بی بدیل و بی مثال الهی

است. (۲) یک خط فاصلی است بین این نشئه و آن نشئه؛ بعضی‌ها را با زنجیر از این خط فاصل عبور می‌دهند؛ آن‌هایی که چسبیده‌اند به زندگی دنیا، بعضی خودشان جست می‌زنند، خودشان را پرتاب می‌کنند؛ چرا؟ چون می‌بینند آنجا چه خبر است.

وعده‌ی الهی را مشاهده می‌کنند. لذا شهدا از مرگ نمی‌ترسیدند، این‌ها عاشق زندگی

بوده‌اند. (۳)

ص: ۲۵

۱- بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۰۸/۱۰.

۲- بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰/۱۱/۱۸.

۳- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم آذربایجان، ۱۳۸۶/۱۱/۲۸.

چهارمین نقطه‌ی اصلی این جهان بینی، عبارت است از استعداد بی پایان انسان در دارا بودن تمام چیزهایی که برای تعالی کامل انسان لازم است. انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه‌ی تعالی حیات ممکنات بالا برود؛ اما بقیه‌ی موجودات این

امکان را ندارند. «احسن تقویم» در آیه‌ی شریفه‌ی «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»، معنایش این نیست که ما جسم انسان را طوری آفریده ایم که مثلاً سرش با دستش با چشمش با تنش تناسب دارد؛ اینکه مخصوص انسان نیست؛ هر حیوانی

نیز همین طور است. در بهترین تقویم، یعنی در بهترین اندازه‌گیری انسان را آفریده ایم؛ یعنی آن اندازه‌گیری‌ای است که رشد او دیگر نهایت و اندازه‌ای ندارد؛ تا آنجایی می‌رود که در عالم وجود، سقفی بالاتر از آن نیست؛ یعنی می‌تواند از فرشتگان و از موجودات عالی و از همه‌ی این‌ها بالاتر برود. اگر بشر بخواهد این سیر را داشته باشد،

جز با استفاده از امکانات عالم ماده ممکن نیست. این هم جزو مسلمات است؛ لذا می‌گوید «خَلَقَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا». بنابراین سیر تعالی و تکاملی انسان در خلأ نیست؛ با استفاده‌ی از استعداد‌های ماده است؛ بنابراین باهم سیر می‌کنند؛ یعنی شکوفایی انسان، همراه با شکوفایی عالم ماده و عالم طبیعت است؛ این در شکوفایی

او اثر می گذارد، او در شکوفایی این اثر می گذارد و پیشرفت های شگفت آور را به وجود می آورد. (۱) در اندیشه ی الهی اسلام همه ی هستی آفریده ی خداست و جلوه گاه علم و قدرت او و پوینده به سوی اوست و انسان برترین آفریده و جانسین اوست. انسان می تواند با استخراج گنجینه های استعداد که در نهاد اوست خود را و جهان را که برای او آفریده شده به زیباترین وجهی بسازد و بیاراید و با دو بال علم و ایمان به عروج معنوی و مادی نائل آید و می تواند با تضييع یا به انحراف کشاندن این استعدادها جهنمی از ظلم و فساد در جهان بیافریند. (۲)

جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح

آخرین نقطه در این زمینه این است که از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این بروبرگرد هم ندارد. همه ی انبیا و اولیا آمده اند تا انسان را به آن بزرگ راه اصلی ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ گونه مانعی تمام استعدادهایش می تواند بروز کند. انبیا و اولیا این

ص: ۲۷

۱- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲ .

۲- بیانات در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل، نیویورک، ۱۳۶۶/۰۶/۳۱ .

مردم گم گشته را مرتب از این کوه و کمر و دشت ها و کویرها و جنگل ها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه ی شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولی عصر ارواحنا فداه محقق خواهد شد؛ لیکن همه ی این تلاش ها اصلاً براساس این بینش است که نهایت این عالم، نهایت غلبه ی صلاح است؛ ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود؛ اما بروبرگرد ندارد.

قطعاً در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه می کنند. (۱)

مستکبران عالم هرچه می خواهند، بگویند؛ تظاهر به قدرت نمایی بکنند؛ اما لشکر حق و حقیقت و کاروانی که بشریت را به سمت سرمنزل عدل و داد پیش می برد، روزبه روز در حال افزایش یافتن است. گذشت سال ها نمی تواند این امید را در دل ها از بین ببرد یا کم فروغ کند که در آیندهای که امیدواریم آن آینده چندان دور نباشد همه ی آحاد بشر طعم عدالت را به معنای واقعی کلمه خواهند چشید. حقانیت آن

دولت الهی و حکومت ربوبی در زمین در این است که همه ی آحاد بشر سهم خود را از معرفت حقیقت و عمل به حقیقت خواهند گرفت. قدرتمندان و مستکبران و زورگویان و زراندوزان و زورمداران عالم هرچه تلاش کرده اند و بکنند، نخواهند توانست این

ص: ۲۸

حرکت و این رفتار طبیعی بشر را به سمت صلاح متوقف کنند.

البته در کار خدا در زمین طفره نیست و کارها بر طبق روال طبیعی انجام می گیرد؛ اما طبیعت و فطرت عالم این است؛ که به سمت کمال برود و می رود. (۱) اینکه چه

کسانی این راه را انتخاب کنند و با قدرت بپیمایند و چه کسانی از آن اعراض کنند و به خیرات آن نرسند، به اراده و خواست انسان ها بستگی دارد. خود آن ها هستند که سرنوشت و آینده ی خودشان را به دست خود انتخاب می کنند؛ لیکن این راه در مقابل انسان ها گذاشته شده است. سنت الهی هم بر این است که حرکت عمومی بشر، به سمت همین هدف های والا ترتیب داده شود. این چیزی است که به طور قهری و طبیعی، جامعه ی بشریت به سمت آن حرکت می کند. (۲)

شیاطین کار می کنند، اما طبیعت عالم و حرکت عالم به سمت حق است و این وجود دارد. همیشه دل هایی هستند که حقیقت عالم را می فهمند، معارف الهی و حقایق و اخلاق الهی به شکل های مختلف در عالم پراکنده می شوند. (۳) این یک

ص: ۲۹

۱- بیانات در سالروز میلاد خجسته ی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)، ۲۲ / ۰۸ / ۱۳۷۹ .

۲- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۰۳ / ۱۳۸۰ .

۳- بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۷ / ۰۳ / ۱۳۹۲ .

نقطه از نقاط جهان بینی اسلامی است که در آن هیچ گونه تردیدی نیست. (۱) تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت عظیم تاریخی است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والاست. (۲) اگر همه ی ما عاشورایی باشیم، حرکت دنیا به سمت صلاح، سریع و زمینه ی ظهور ولی مطلق حق، فراهم خواهد شد. (۳)

ص: ۳۰

۱- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

۲- دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷.

۳- بیانات در دیدار روحانیون و وعاظ، در آستانه ی ماه محرم، ۱۳۷۴/۰۳/۰۳.

جهاد يك ملت وقتي معنا يافته و درخشندي و ماندگاري پيدا مي كند كه اهداف تعريف شده ي مبارزات آن ها اهداف ارزشمند و والايي باشد. (۱) انقلاب اسلامي با اهداف مشخص و روشني كه همه ي آن ها در متون اسلامي ريشه دارد، به وجود آمد (۲)

و در ذات خود يك حركت پيش رونده و پرشتاب به سمت اين هدف هاي ترسيم شده است. (۳) اين اهداف تعريف شده، منحصر به يك بخش از زندگي انسان ها نيست بلكه شامل زندگي مادي و معنوي مردم است. اسلام مردم خود را خوشبخت و

سعادتمند مي خواهد. حيات طيبه ي اسلامي، زندگي اي است كه در آن، راه رسيدن به معنويت و اهداف و سرمنزل هاي نهايي اين راه، از زندگي دنيايي مردم عبور مي كند.

البته آبادي دنيا هدف نهايي نيست. هدف نهايي عبارت است از اينكه انسان ها در زندگي دنيايي از معيشت شايسته و مناسب، از آسودگي و امنيت خاطر و از آزادي فكر و اندیشه برخوردار باشند و از اين طريق به سمت تعالي و فتوح معنوي حركت كنند.

ص: ۳۲

-
- ۱- بيانات در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان، ۱۸ / ۰۲ / ۱۳۸۴ .
 - ۲- بيانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۹ / ۰۵ / ۱۳۹۰ .
 - ۳- بيانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳ / ۰۴ / ۱۳۹۰ .

بر این اساس اسلام خواهی، نجات از استبداد، استقلال و عدم وابستگی، کرامت بخشی به انسان، استکبارستیزی، دفاع از مظلوم، ساختن یک ایران آباد و آزاد با همه ی معانی آزادی، برخوردار از عدالت اجتماعی، ثروت و امنیت، متدین و بهره مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه ی جامعه ی عظیم بشری در همه دستاوردها از جمله پیشرفت و اعتلای علمی و فنی گسترش این فضا در همه ی دنیای اسلام و ایجاد تمدن نوین اسلامی، از اهداف انقلاب بوده است.(۲) آرمان های نظام اسلامی که در حقیقت آرمان های اسلامی است یک منظومه دارای مراتب مختلف میباشد؛ بعضی اهداف غایی تر و نهایی تر و بعضی کوتاه مدت هستند.(۳)

ص: ۳۳

۱- بیانات در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان، ۱۸ / ۰۲ / ۱۳۸۴ .

۲- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۹ / ۰۵ / ۱۳۹۰- بیانات در جلسه ی پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۷۹ - بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) در مرقد مطهر، ۱۴ / ۰۳ / ۱۳۷۴ - بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه های شیراز، ۱۴ / ۰۲ / ۱۳۸۷ - بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۲۳ / ۰۷ / ۱۳۸۷ - بیانات در دیدار انجمن اهل قلم، ۷ / ۱۱ / ۱۳۸۱

۳- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۹ / ۰۵ / ۱۳۹۰ .

هدف نهائی، تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پایین تر از آن، انسان سازی است. هدف پایین تر از آن، ایجاد جامعه ی اسلامی با همه ی مشخصات

و آثار آن شامل استقرار شریعت اسلامی، عدالت، توحید و معنویت است. (۱) جامعه ای

عادلانه و عادل و پیشرفته و معنوی جزو آرمان های درجه ی یک و برترین آرمان ها است. هدف از همه ی جریانات عظیم در انقلاب اسلامی که به هدایت الهی، از روز اول تا امروز پیش رفته است، عبارت بود از اینکه در این کشور و در این خانه ی اسلام،

حیات طیبه ی اسلامی تحقق پیدا کند. (۲)

اسلام در پی ایجاد جامعه ای است که اولاً عادلانه اداره شود؛ یعنی مسئولان و مدیران جامعه به عدالت رفتار کنند؛ ثانياً خود جامعه، جامعه ی عادلانه باشد -

آحاد مردم هم نسبت به یکدیگر عدالت داشته باشند - و آنگاه جامعه، جامعه ی پیشرفته ای باشد. اسلام به هیچ وجه جامعه ای عقب افتاده در عرصه های مختلف از جمله مسائل علمی، سیاسی و تمدنی را بر نمی تابد.

اسلام همچنین در پی ایجاد جامعه ای معنوی است. در نظام اسلامی، جامعه،

ص: ۳۴

۱- بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳ / ۰۴ / ۱۳۹۰.

۲- بیانات در دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۶۸.

هم عادلانه اداره می شود، هم در درون خود جامعه ی عادلانه است، هم جامعه ی پیشرفته است، هم جامعه ای معنوی است؛ یعنی از معنویت سیراب است؛ معنویتی که موجب می شود انسان اهداف حقیر مادی و شهوات روزمره ی زندگی را اهداف بلند خود نشمارد؛ هدف های والاتر و بالاتری برای او مطرح باشد؛ ارتباط آحاد انسان، ارتباط دل ها با خدا، محفوظ باشد؛ این جامعه ی مورد نظر اسلام است. البته یک چنین جامعه ای برای جوامع مسلمان مسلمان بلکه حتی برای کشورهای غیرمسلمان

الگو هم خواهد شد. سلامت در جامعه، صنعت و کشاورزی برتر، تجارت پررونق، علم پیشرو، نفوذ فرهنگی و سیاسی در جهان و در منظومه ی سیاسی سلطه در عالم، همه جزو آرمان های اسلامی است. بنابراین وقتی می گوییم آرمان، ذهن به یک امر غیرقابل تعریف دور از دسترسی نرود؛ مجموعه ی این خواسته ها و هدف ها البته در درجات مختلف، منظومه ی آرمانی اسلام را تشکیل می دهد.

شما برای هر کدام از این ها که تلاش کنید، تلاش برای آرمان ها کرده اید. آن مجموعه ای که به عنوان نمونه در راه اقتصاد مقاومتی، در زمینه ی گسترش فرهنگ انقلابی و اسلامی در دنیای اسلام، در زمینه ی سیاسی و دیپلماسی، در زمینه ی سلامت تلاش می کند، این ها همه دارند کار آرمانی می کنند. آن کسی که همین تلاش

را در زمینه ی سیاسی و دیپلماسی دارد انجام می دهد، کارش آرمانی است.(۱)

این اهداف عوض شدنی و تغییرپذیر نیستند لیکن در جهت حرکت به سمت این آن ها، سرعت ها قابل کم و زیاد شدن و شیوه ها و تدابیر قابل تغییر یافتن است.

حفظ انقلاب یعنی حفظ همین حالت پیش روندگی و پیش برندگی به سمت اهداف.(۲) اگر بخواهیم انقلاب با همان سرعت و شتاب و با همان اتقان و استقامت و درست در همان خط صحیح اسلام و بدون گرایش به چپ و راست حرکت کند، باید هدف هایی که بر قله ی بلند آرزوهای ملت ما- بلکه ملت های اسلامی- می درخشند،

همواره مقابل دیدگان ما باشد. باید تلاش خود را برای تحقق این هدف ها مضاعف کنیم و از مشکلات نهراسیم.

بزرگ ترین خطر این نیست که ما از رفتن بازمانیم، یا خسته شویم؛ بزرگ ترین خطر این است که چشم انداز ترسیم شده و هدف های تعریف شده را گم کنیم و نبینیم. نباید گذاشت غبارها و ابرها جلوی این هدف ها و آرمان ها را بگیرد.(۳) صیانت

ص: ۳۶

-
- ۱- بیانات در دیدار دانشجویان در روز نوزدهم ماه مبارک رمضان، ۰۶ / ۰۵ / ۱۳۹۲.
 - ۲- بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳ / ۰۴ / ۱۳۹۰.
 - ۳- بیانات در مراسم بیعت جهادگران جهاد سازندگی سراسر کشور، ۲۰ / ۰۳ / ۱۳۶۸.

از جهت گیری های اصلی مهم ترین چالش هر تحول عظیم اجتماعی است که هدف هایی دارد و به سمت آن هدف ها حرکت و دعوت می کند. این جهت گیری باید حفظ شود. اگر جهت گیری به سمت هدف ها صیانت نشده و محفوظ نماند، انقلاب به ضد خود تبدیل خواهد شد. (۱)

نسبت آرمان گرایی با واقعینی

تعقیب اهداف و آرمان گرایی بدون ملاحظه ی واقعیت ها، به خیال پردازی و توهم خواهد انجامید. وقتی شما دنبال یک مقصودی، یک آرمانی حرکت می کنید باید واقعیت های اطراف خودتان را بسنجید و بر طبق آن واقعیت ها برنامه ریزی کنید.

بدون دیدن واقعیت های جامعه، تصور آرمان ها خیلی تصور درست و صحیحی نخواهد بود، چه برسد به دستیابی به آرمان ها.

البته باید واقعیت ها را به معنای واقعی کلمه دید، نه آنچه که به عنوان واقعیت القاء می شود. در جنگ های روانی که امروز در دنیا معمول است، یکی از کارها القای واقعیت های غیرواقعی است؛ چیزهایی را به عنوان واقعیت القاء می کنند که واقعیت

ندارد. در تبلیغات گاهی یک واقعیتی را از آنچه که هست، چندین برابر بزرگ تر نشان

ص: ۳۷

۱- خطبه های نماز جمعه ی تهران در حرم امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۴ / ۰۳ / ۱۳۸۹ .

می دهند؛ درحالی که بعضی از واقعیت های دیگر را اصلاً نشان نمی دهند. بنابراین آرمان ها با نگاه به واقعیت ها و نه آنچه که با شگردهای دشمنانه، به عنوان واقعیت به ما القاء می شود قابل تحقق خواهند بود. (۱)

رابطه ی «تکلیف مداری» با «دنبال نتیجه بودن»

آیا اینکه امام (رحمه الله عیه) فرمودند ما دنبال تکلیف هستیم به این معناست نباید به دنبال نتیجه نبود؟ چطور می شود چنین چیزی را گفت درحالی که خود امام بزرگوار با آن شدت وحدت در سنین کهولت، این همه سختی ها را دنبال کرد برای اینکه نظام اسلامی را بر سر کار بیاورد و موفق هم شد. معنای تکلیف گرایی این است که انسان در راه رسیدن به نتیجه ی مطلوب، بر طبق تکلیف عمل کند و کار نامشروع و برخلاف تکلیف انجام ندهد؛ و لَمَّا تَلَّاشِيْ كِه پیغمبران و اولیای دین کردند، همه برای رسیدن به نتایج معینی بود. البته آن کسی که برای رسیدن به نتیجه، بر طبق تکلیف عمل می کند، اگر به نتیجه ی مطلوب خود هم نرسید احساس پشیمانی نمی کند بلکه خاطر جمع است که تکلیفش را انجام داده. اگر انسان برای رسیدن به

ص: ۳۸

نتیجه، بر طبق تکلیف عمل نکرد، وقتی به هدف نرسید، احساس خسارت خواهد کرد؛ اما آن کسی که تکلیف و مسئولیت خود را به صورت شایسته و بایسته با واقعینی و برنامه ریزی، انجام داده ولو به نتیجه نرسید احساس خسارت نمی کند. بنابراین،

تصور اینکه معنای تکلیف گرایی بی توجهی به نتیجه است، نگاه درستی نیست.

براین اساس در دفاع مقدس و همه ی جنگ هایی که در صدر اسلام، زمان پیغمبر یا بعضی از ائمه (علیهم السلام) بوده است، کسانی که وارد میدان جهاد فی سبیل الله می شدند، برای تکلیف حرکت می کردند؛ اما آیا معنای این احساس تکلیف این بود که به نتیجه نیندیشند؟ راه رسیدن به نتیجه را محاسبه نکنند؟ اتاق جنگ نداشته باشند؟ برنامه ریزی و تاکتیک و اتاق فرمان و لشکر و تشکیات نظامی نداشته باشند؟ تکلیف گرایی هیچ منافاتی با دنبال نتیجه بودن و برنامه ریزی بر طبق راه های مشروع برای تحقق هدف ندارد. (۱)

ص: ۳۹

۱- همان

فرآیند تحقق هدف های اسلامی یک زنجیره ی مستمر و منطقی و یک فرآیند طولانی و دشوار است. (۱)

انقلاب اسلامی

قدم اول و شروع این فرآیند از انقلاب اسلامی است. انقلاب بر خلاف برداشت های غلط از آن، صرفاً به معنای شورش، اغتشاش، بی نظمی و بی سامانی

نیست؛ انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی.

هر تحول، شورش و تهییج عام به معنای انقلاب نیست بلکه انقلاب آنجایی است که پایه های غلطی برچیده می شود و پایه های درستی به جای آن گذاشته می شود. (۲) بر این اساس منظور از انقلاب اسلامی - که حلقه ی اول است - حرکت انقلابی است؛ و آلاً به یک معنا انقلاب شامل همه ی این مراحل می شود. اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی، یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع، قدیمی، وابسته و فاسد را سرنگون می کند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده

ص: ۴۱

۱- بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱ .

۲- بیانات دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۷۹/۰۹/۱۲ .

می کند. (۱) این قدم نسبت به مراحل بعد پرهیجان تر بوده و به آسانی به دست نیامد. (۲)

لیکن نسبت به مراحل بعدی آسان ترین است. (۳)

صدها شرط و موقعیت باید در کنار هم قرار گیرند تا حادثه ای مثل انقلاب اسلامی بتواند رخ دهد. این طور نبود که در هر زمانی، در هر شرایطی، در هر کشوری، چنین حادثه ای بتواند پیش بیاید. در تاریخ ما، در وضع زندگی ما، در مردم ما، در ارتباطات اجتماعی ما، در اعتقادات ما، در وضع حکومت ما، در وضع جغرافیایی ما، در ارتباطات سیاسی و اقتصادی عالم، آن قدر حوادث فراوان کنار هم قرار گرفت

تا شرایط آماده شد برای این که انقلاب اسلامی به وجود آید و پیروز شود. این شرایط، آسان به دست نمی آید؛ امر بسیار مستبعدی است. (۴)

ص: ۴۲

۱- بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۲۴/۰۷/۱۳۹۰

۲- بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۲۱/۰۹/۱۳۸۰.

۳- همان.

۴- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۲/۰۹/۷۹.

حلقه ی بعد، نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را پیاده کردن؛ یعنی اسلامی شدن هندسه عمومی جامعه (۱) و تعیین منبع تقنین و معیار ملاک اجرا و ارکان تصمیم گیری در کشور (۲) مثل این که وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته، برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی گزینشی جایگزین می شود؛ که تحقق آن در همین شکل اجرا کلی است که قانون اساسی معین کرده. (۳)

منظور از نظام اسلامی آن هویت کلی است که تعریف مشخصی داشته و مردم آن را انتخاب کرده اند، یعنی جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن، مردم سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزش های اسلامی همراه است. (۴)

در نظامی که براساس انقلاب به وجود آمد از شرق و غرب الگو نگرفتیم. این نقطه ی

ص: ۴۳

-
- ۱- بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.
 - ۲- بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.
 - ۳- بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.
 - ۴- بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰ / ۰۷ / ۲۴.

بسیار مهمی است. ما نمی توانستیم از کسانی الگو بگیریم که نظام های آن ها را غلط و برخلاف مصالح بشریت و باطل می دانستیم. (۱)

ما از این حلقه هم عبور کردیم. (۲) قانون اساسی تنظیم شد؛ آرایش و چینش سیاسی به وجود آمد؛ مردم سالاری دینی بر این مملکت حاکم شد و مردم مسئولان کشور را - از رهبری گرفته تا ریاست جمهوری تا دیگر مسئولان - مستقیم یا غیرمستقیم انتخاب می کنند. دین، مایه و پایه و محور قانون و اجرا در این کشور است. حرکت

مردم به سمت اهداف و آرمان های دینی است؛ این معنای نظام اسلامی است و تحقق پیدا کرد؛ لیکن کافی نیست. برای تحقق کامل مراحل بعد احتیاج است که دستگاه حاکمه ی کشور در عمل خود، در سازمان دهی خود و در چگونگی رفتار خود، به طور کامل اسلامی عمل کند. (۳)

ص: ۴۴

۱- بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۲۳ / ۰۲ / ۱۳۷۹

۲- بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۲۴ / ۰۷ / ۱۳۹۰

۳- نماز جمعه تهران، ۲۸ / ۰۵ / ۱۳۸۴ .

قدم بعدی که از مراحل گذشته دشوارتر است ایجاد دولت اسلامی به معنای حقیقی (۱) یا به تعبیر روشن تر، تشکیل منش و روش دولتمردان به گونه ی اسلامی است. (۲)

منظور از دولت در اینجا، فقط قوه ی مجریه نبوده بلکه مقصود دولت به معنای عام و مجموع دستگاه های مدیریتی و نظامات گوناگون اداره کننده ی کشور (۳) و مجموعه ی کارگزاران حکومت (۴) میباشد.

قوای مقننه و قضائیه و مهریه و مسئولان گوناگون در نظام اسلامی باید بتوانند تا حدّ قابل قبولی خود را با قالب ها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند. (۵) افرادی متصدی امور شوند که ضوابط و شرایط دولتمرد اسلامی را دارا هستند و اگر

در این زمینه ناقصاند خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش

ص: ۴۵

۱- بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱ .

۲- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲ .

۳- بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰ / ۰۷ / ۲۴ .

۴- بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱ .

۵- همان

ببرند. (۱) نظام اسلامی فقط شکل نیست؛ محتوایی دارد؛ یعنی کارهایی باید در واقعیت زندگی مردم انجام بگیرد. تحقق این واقعیت‌ها در زندگی مردم، مردان و عناصر مؤمن و معتقد به خودش را که دارای صفات و خصوصیات لازم هم باشند، می‌طلبد. (۲) این مرحله سوم است؛ ما الان در این مرحله قرار گرفته ایم. (۳)

کشور اسلامی

بعد از این مرحله، مرحله تالو و تشعشع نظام اسلامی است، یعنی مرحله ایجاد کشور اسلامی. (۴) اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آنگاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد. (۵) تعهد دولت اسلامی این است که جامعه‌ی اسلامی را تحقق ببخشد. جامعه‌ی اسلامی یعنی چه؟ یعنی جامعه‌ی ای که در آن، آرمان‌ها و

ص: ۴۶

۱- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

۲- بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸

۳- بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.

۴- همان

۵- نماز جمعه تهران، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.

اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه ی آزاد، جامعه ای که مردم در آن، در اداره ی کشور، در آینده ی خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تأثیرند، جامعه ای دارای عزت ملی و استغنا ی ملی، جامعه ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه ای دارای پیشرفت های همه جانبه- پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی- و بالأخره جامعه ای بدون سکون، بدون رکود، بدون

توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه ای است که ما دنبالش هستیم. (۱) کشور

اسلامی مرحله ی تالو و تشعشع نظام اسلامی است. (۲)

تمدن اسلامی

وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد و فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت. (۳) هدف ملت ایران و انقلاب

ص: ۴۷

۱- بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۲۴ / ۰۷ / ۱۳۹۰ .

۲- بیانات در جمع کار گزاران نظام جمهوری اسلامی ، ۲۱ / ۰۹ / ۱۳۸۰ .

۳- نماز جمعه تهران، ۲۸ / ۰۵ / ۱۳۸۴ .

اسلامی ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است (۱) با تحقق مرحله ی کشور اسلامی برای مسلمان های عالم، الگو و اسوه می شویم. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می آید؛ «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (۲)

تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات

خلق کرده است برسد؛ (۳) تحقق کامل وعده ی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و

بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (۴)

ص: ۴۸

۱- بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۲۴ / ۰۷ / ۱۳۹۰ .

۲- بیانات در جمع کار گزاران نظام جمهوری اسلامی ، ۲۱ / ۰۹ / ۱۳۸۰ .

۳- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴ / ۰۶ / ۱۳۹۲ .

۴- پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره عظیم حج، ۱۷ / ۰۹ / ۱۳۸۷

اشاره

چشم انداز حرکت ملت ایران چشم انداز بسیار روشنی است و إن شاء الله این امکان را پیدا خواهد کرد که پایه های تمدن اسلامی را در این کشور؛ بلکه در همه ی کشورها و جوامع اسلامی، مستحکم کند. (۱) اما این راه، مثل همه ی راه های مهم که به سمت هدف های بزرگ کشیده شده است، چالش ها و موانعی دارد که باید آن ها را بشناسیم تا بتوانیم از آن ها عبور کنیم. (۲)

ماهیت موانع

اولین نکته مهم این است که وجود موانع جزو سنت های الهی بوده و تصادفی نیست. یعنی تلاش و حرکت با موانع مواجه است (۳) و اساساً همین وجود موانع است که به تلاش انسان معنا و حقیقت معنوی می بخشد؛ اگر موانع نبود، جهاد معنی نداشت. (۴)

در همه ی دعوت های انبیا، دشمنان و موانعی از جن و انس وجود داشتند؛ «وَكَذَلِكَ

ص: ۵۰

-
- ۱- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۰۶ / ۰۲ / ۱۳۷۶
 - ۲- بیانات در مراسم رحلت حضرت امام خمینی (رحمه الله عیه)، ۱۳۹۳. ۲.
 - ۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت کنندگان در همایش آسیب شناسی انقلاب، ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۷۷.
 - ۴- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه های شیراز، ۱۴ / ۰۲ / ۱۳۸۷.

جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عِدْوًا شَيْاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا». وجود طبقاتی در درون جوامع که مایه ی فساد و مکر بوده اند؛ جزو

سنت های الهی است. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَوْمٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيُتَكْرَمُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ»

اما متقابلاً سنت الهی بر این قرار گرفته که اگر حرکت نبوی و الهی - که انقلاب اسلامی مصداق آن است - به کار خود ادامه بدهد، بر همه ی موانع فائق خواهد آمد؛ این هم سنت الهی است؛ «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَذْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا». «سَنَّهُ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّهِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»؛ اگر بایستید، اگر استقامت کنید، اگر هدف را گم نکنید، اگر تلاش را متوقف نکنید، بدون تردید غلبه در این عرصه با شماست. (۱) «من كان لله كان الله له»، هر کس برای خدا کار کند، خدا هم تمام امکانات و علم و قدرت خودش و سنت های آفرینش را در خدمت او قرار خواهد داد. «وَلَيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»؛ این جمله ی عجیبی است «ل» قسم و «ن» تأکید حتماً خدا کسانی را که او را نصرت کنند، بدون شک نصرت خواهد کرد. (۲)

ص: ۵۱

۱- همان

۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت کنندگان در همایش آسیب شناسی انقلاب، ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۷۷.

اشاره

ما در مسیر انقلاب دو نوع موانع داشتیم: یکی موانع درونی، یکی موانع بیرونی؛^(۱)

در آسیب شناسی انقلاب، باید نقش عوامل درونی و بیرونی، هر دو ملاحظه بشود.

البته اینجا دو افراط وجود دارد؛ یکی این که عوامل بیرونی را عمده کنیم و از عوامل درونی غافل بمانیم و به عکس.^(۲)

الف. دشمن بیرونی

اشاره

دشمن بیرونی عبارت است از قدرت های سلطه طلب جهانی که برای تحقق مقاصد خود حاضرند همه ی دنیا را به خاک و خون بکشند و جنگ های خونین راه بیندازند.^(۳) دشمنان بیرونی کسانی هستند که نگاه می کنند، می بینند ایران اسلامی در حال تبدیل شدن به یک الگو در دنیای اسلام است و آن ها نمی خواهند این طور شود.

می دانند که اگر جمهوری اسلامی بتواند مسائل زندگی و مادی را برطرف کند و به زندگی مردم رونق و شکوفایی بخشد، آنگاه مسلمان ها گرم و گیراتر به سمت این الگو

ص: ۵۲

۱- همان

۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت کنندگان در همایش آسیب شناسی انقلاب، ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۷۷

۳- بیانات در دیدار مردم قم، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۸۱ .

حرکت می کنند. لذا مرتب مانع ایجاد می کنند. (۱)

دشمن بیرونی هدف ما عبارت است از نظام سلطه ی بین المللی؛ یعنی همان چیزی که به او می گوئیم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه گران و سلطه پذیران تقسیم می کند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه گران از منافع خود دفاع کند، سلطه گران با آن ملت دشمنی می کنند؛ روی او فشار می آورند و سعی

می کنند مقاومت او را در هم بشکنند. این، دشمن یک ملتی است که می خواهد مستقل و عزتمند و آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه گران نرود؛ این دشمن بیرونی است. امروز مظهر این دشمنی عبارت است از شبکه ی صهیونیسم جهانی و دولت

کنونی ایالات متحده ی امریکا. (۲) چالش بیرونی ما مزاحمت های استکبار جهانی است؛ مزاحمت های امریکا است. بیانات در مراسم رحلت حضرت امام خمینی (رحمه الله عیه)، ۱۳۹۳/۰۳/۱۴.

اشاره ای به معنای استکبار

در فرهنگ ما، استکبار به آن مجموعه ی قدرتی گفته می شود که با تکیه بر

ص: ۵۳

۱- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(علیه السلام)، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲.

۲- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۰۱/۰۱.

توانایی های سیاسی و نظامی و علمی و اقتصادی خود و با الهام از نگرش تبعیض آمیز به نوع بشر، مجموعه های بزرگ انسانی یعنی ملت ها و دولت ها و کشورها را با سیطره ای قلدرانه و تحقیرآمیز، به سود خود زیر فشار و استثمار می گذارد؛ در کار آن ها دخالت و به ثروت آن ها دست اندازی می کند؛ به دولت ها زور می گوید و به ملت ها ستم می ورزد

و به فرهنگ ها و سنت های آنان، اهانت روا می دارد. مثال های بارز آن را استعمار کهن و سپس استعمار نو و اخیراً تهاجم همه جانبه ی سیاسی و اقتصادی و تبلیغاتی و حتی نظامی، از سوی استعمارگران دیروز و وارثان آن ها، در برابر چشم ملت های ما نهاده و طعم تلخ آن را به ایشان چشاندند است. قدرت های غربی در این تهاجم مؤثر، از

پیشرفت علم و تکنولوژی و از برخی خصال ملی و بومی خود بهره برده اند. (۱)

چهار علت دشمنی استکبار جهانی با انقلاب اسلامی

همه ی کسانی که به نحوی از انقلاب یا از هدف های انقلاب متضرر می شدند، جلوی انقلاب ایستادند. از امنیت یک عده ای متضرر می شوند، از عدالت یک عده ای متضرر می شوند، از نفی حاکمیت طاغوت یک عده ای متضرر می شوند،

از نفی سلطه ی بیگانه یک جماعتی متضرر می شوند، از نفی استبداد یک عده ای

ص: ۵۴

۱- بیانات در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی، ۱۳۷۶/۰۹/۱۸.

متضرر می شوند. این ها همه در مقابل انقلاب صف کشیده اند. انحصارطلبان جهانی از یک طرف، اشرار داخلی از یک طرف، توطئه های ابرقدرت ها از یک طرف، دست اغواگر تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی آن ابرقدرتی که دستش از ایران با انقلاب اسلامی کوتاه شده بود از یک طرف- یعنی آمریکا که تا امروز هم ادامه دارد- این ها همه در مقابل این حرکت عظیم ملت ایران ایستادند.^(۱) در باب علل دشمنی استکبار جهانی با انقلاب و جمهوری اسلامی، نهضت بیداری اسلامی و پیروزی اسلام در

کشورها، چند مورد مهم تر را تبیین می کنیم:

در درجه ی اول مسئله ی تفکیک نشدن دین از سیاست است. جمهوری اسلامی عملاً اثبات کرد و نشان داد که دین در صحنه ی زندگی انسان ها دخالت دارد و فقط برای عبادت انسان ها در کنج معبدها نیست. دین اسلام بلکه همه ی ادیان الهی، سیاست، علم و مسائل اجتماعی را در متن خود داشته و صحنه ی زندگی مردم و عرصه ی مسائل عظیم اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، در قلمرو احکام مقدّس اسلامی است. نمی شود کسی به بخشی از دین معتقد و عامل بوده و به بخشی دیگر

نباشد. این، مسئله ی اول و مهم ترین خصوصیتی است که استکبار با آن مخالفت

ص: ۵۵

می‌کند. آنجایی که دین وارد میدان سیاست شده و به امور اساسی حیات جهان و زندگی دنیوی مردم می‌پردازد، استکبار جهانی ظاهر می‌شود چرا که در این وضع دین را مقابل زورگویی‌ها و سوءاستفاده‌ها و مانع چپاول‌هایشان از منابع طبیعی و انسانی جهان اسلام می‌بینند. این از اساسی‌ترین مسائل است. در گذشته، به این معنا تصریح نمی‌کردند؛ اما امروز، به صراحت می‌گویند که باید دین را از سیاست جدا کنید! و در نتیجه بگذارید در رأس سیاست کشورهای اسلامی، کسانی باشند که بشود با آن‌ها معامله کرد. بشود آن‌ها را وادار به صرف نظر کردن از مصالح ملت‌ها کرد. بشود

نفوذ سیاسی خود را، به وسیله‌ی آن‌ها، در کشورها گسترش داد. پیداست کسی که با

انگیزه‌ی دینی و برای رضای خدا در کرسی و عرصه‌ی سیاست حضور پیدا می‌کند، زیر بار قدرت‌ها نمی‌رود. این، اساسی‌ترین مسئله است.

مسئله‌ی دوم، تأثیرناپذیری از خواست قدرت‌های بزرگ است. از دیدگاه امریکا و مستکبرین، یکی از جرم‌های بزرگ جمهوری اسلامی ایران این است که در مسائل جهانی، تحت تأثیر نظر امریکا و امثال امریکا قرار نمی‌گیرد. یک مثال واضح، مسئله‌ی فلسطین است. روی کشورهای عرب و بسیاری از کشورهای اسلامی فشار آوردند که مسئله‌ی فلسطین را ندیده بگیرند و متأسفانه بسیاری از دولت‌ها هم تحت

تأثیر این فشار قرار گرفتند و آن را قبول کردند؛ اما جمهوری اسلامی، حرف صریح خود را در یک جمله ی رسا و روشن بیان کرده است که همه ی منصفین عالم، آن را قبول می کنند. آن جمله این است که «فلسطین متعلق به مردم فلسطین است.» دولت

غاصب صهیونیست، باید بساط خود را جمع کند. یهودی ها می توانند در فلسطین بمانند، اما حکومت در فلسطین، متعلق به ملت فلسطین و فلسطینی هاست. امام راحل، بارها این موضع را اعلام کرده اند و این نظر قطعی جمهوری اسلامی ایران است.

مسئله ی دیگر، حمایت معنوی و سیاسی جمهوری اسلامی از همه ی کسانی است که در راه اسلام و حاکمیت اسلامی تلاش کرده و در هر جای دنیا برای عزت اسلام قیام کنند. دشمنان انقلاب می گویند چرا انقلابتان را صادر می کنید؟ ما در جواب دشمن می گوئیم انقلابمان را صادر نمی کنیم. انقلاب ما صادر شد و گذشت و تمام شد! شما در مقابل یک عمل انجام شده قرار دارید. صدور انقلاب به معنای

صدور یک کالا نیست که به طور دائم، آن هم به وسیله ی اشخاص بخواهد ادامه داشته باشد. صدور یک فکر و یک اندیشه، به معنای آن است که آن اندیشه، صحیح است و دل انسان ها را در اکناف عالم، به خود جذب می کند. این کار انجام

گرفت و روزبه روز آشارش را در دنیا نشان می دهد. انقلاب اسلامی هر گروه مسلمانی را که در هر نقطه ی عالم تفکر اسلامی را احیا می کند، قبول داشته و حمایت می کند.

دفاع از ملت های مظلوم و مسلمان از مسائلی است که دشمن را خشمگین می کند.

از دیگر مسائل این است که ما با تحمیل فرهنگ غرب بر ملت های مسلمان، مخالفیم. فرهنگ غرب، فرهنگی است که در عین برخورداری از نقاط مثبت، نقاط منفی هم دارد. ما معتقد به تبادل فرهنگ ها هستیم. ما می گوییم ملتی مثل ملت ایران، یا دیگر ملل مسلمان، باید در میان فرهنگ های عالم نگاه کنند و آنچه را که برایشان مفید و به دردبخور است، جذب و از آن استفاده کنند. آنچه را هم که از این فرهنگ ها برایشان لازم و مفید نیست باید طرد کنند؛ اما دولت های غربی، سردمداران نظام های

استکباری و بخصوص نظام امریکا، اصرار دارند با انواع و اقسام طرق، فساد و بی بندوباری را که جزو خصوصیات فرهنگ غربی است، به ملت های مسلمان و کشورهای اسلامی تزریق و تحمیل کنند. ما با این روش ها، که مختص امروز هم نیست

و در تاریخ معاصر، مسبوق به سابقه است، مخالفیم. ما می گوییم چرا شما آن روشی را که خودتان در باره ی زنان انتخاب کردید و صددرصد به زیان آنان و منافع جوامع و مصالح انسانیّت و برخلاف عقل سلیم و منطق درست است، می خواهید به ملت های

دیگر تحمیل کنید؟! شما برای این منظور، از وسایل تبلیغاتی و طرق گوناگون استفاده می کنید. ما با این مخالفیم؛ و این از جمله مواردی است که سردمداران استکباری را خشمگین می کند. (۱)

ب. دشمن درونی

اشاره

دشمن درونی یعنی خصلت های بدی که در ما انقلابیون است. (۲) بزرگ ترین دشمن این راه عبارت است از دشمنی که در درون خود ماست. (۳) خطرناک تر از همه ی دشمن ها هم همین است. پیغمبر سخت با این دشمن مبارزه کرد؛ البته مبارزه ی با این دشمن، به وسیله ی شمشیر نیست؛ بلکه با تربیت و تزکیه و تعلیم و هشدار دادن است.

لذا وقتی که مردم با آن همه زحمت از جنگ برگشتند، به ایشان فرمود شما از جهاد

کوچک تر برگشتید، حالا مشغول جهاد بزرگ تر یعنی جهاد با نفس خودتان شوید.

اینکه قرآن کریم می فرماید: «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» منظور ضعف های اخلاقی،

ص: ۵۹

۱- بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۴ / ۰۳ / ۱۳۷۲ .

۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت کنندگان در همایش آسیب شناسی انقلاب، ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۷۷ بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۰۱/۰۱

۳- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(علیه السلام)، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲ .

شخصیتی، هوسرانی و میل به خودخواهی های گوناگون است؛ که اگر جلوییش را نگیری و خودت با آنها مبارزه نکنی، ایمان را از تو خواهد گرفت و تو را از درون پوک خواهد کرد. وقتی ایمان را از تو گرفت، دل تو بی ایمان و ظاهر تو با ایمان است؛ «تُمْ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا الشُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ»

خطر بزرگ برای جامعه ی اسلامی این است؛ هر جا که در تاریخ می بینید جامعه ی اسلامی منحرف شده، از این جا منحرف شده است. ممکن است دشمن خارجی بیاید، سرکوب کند، شکست دهد و تار و مار کند؛ اما نمی تواند نابود کند

بالآخره ایمان می ماند و در جایی سر بلند می کند و سبز می شود؛ اما آن جایی که این لشکر دشمن درونی به انسان حمله کرد و درون انسان را تهی و خالی نمود، راه منحرف خواهد شد. هر جا انحراف وجود دارد، منشأش این است. (۱)

ضعف های فکری و عقانی، (۲) خودخواهی های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود و به ملت خود، (۳) آلوده شدن به

ص: ۶۰

۱- بیانات در خطبه های نماز جمعه ، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸ . ۱

۲- همان

۳- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۰۱/۰۱ .

شهوات، حرص به دنیا، دل بسته شدن به منافع فردی، مرعوب دشمنان بیرونی شدن، ناامیدی، مأیوس شدن از وعده ی الهی و تحقق آرمان های الهی،(۱) راحت گرایی، غفلت گرایی، تنبلی گرایی، آسان گرایی و تمایل به پرهیز کردن از میدان های دشوار،

تمایلات انحرافی،(۲)ضعف ایمان،(۳) غفلت از روحیه و جهت نهضت امام بزرگوار، اشتباه در شناخت دشمن اصلی و فرعی و دوست، سرگرم شدن به اختلافات فرعی و سطحی(۴) از جمله ی دشمنان درونی است. این دشمن درونی ، البته خطرناک تر از دشمن بیرونی است.(۵)

لزوم مبارزه با دشمن درونی

اگر ملتی این بیماری ها را داشته باشد، پیشرفتش ممکن نیست؛ اگر ملتی مردمش تنبل باشند، ناامید باشند، اعتماد به نفس نداشته باشند، با همدیگر پیوند نداشته باشند، به همدیگر بدبین باشند، از آینده ناامید باشند، چنین ملتی پیش

ص: ۶۱

۱- بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹ .

۲- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(علیه السلام)، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲ .

۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت کنندگان در همایش شناسی انقلاب، ۱۳۷۷ / ۱۲ / ۱۵ .

۴- بیانات در مراسم رحلت حضرت امام خمینی (رحمه الله عیه)، ۱۳۹۳/۰۳/۱۴ .

۵- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(علیه السلام)، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲ .

نخواهد رفت؛ این‌ها مثل موریانه‌ای که در درون پایه‌ی بنا بیفتد. (۱) همه‌ی همّت انبیا

و اولیا و اوصیا و صالحین و صدّیقین، این بوده است که انسان، دشمن درونی خود را که نفس اماره‌ی اوست، کشف کند و از آن بپرهیزد. (۲)

اگر ما این آسیب‌های درونی را علاج نکنیم، آن آسیب‌های بیرونی، مشکلی برای ما به وجود نخواهد آورد. (۳) انسان اوّل در دل خود شکست می‌خورد و هزیمت می‌کند، بعد هزیمت او در جبهه‌ی بیرونی آشکار می‌شود. (۴) واقعاً اگر ما در درون خودمان،

ساخت درونی محکم باشد، هیچ مشکل بیرونی نخواهد توانست بر ما فائق بیاید. (۵)

از دشمن بیرونی، آن وقتی که ما سلامت معنوی خودمان را حفظ کردیم، راهی را که اسلام و جمهوری اسلامی به ما نشان داده، پیش رفتیم و از آن راه منحرف نشدیم، مطلقاً ترسی نداریم؛ به ما آسیبی نمی‌زند؛ نمی‌تواند آسیب بزند. (۶) همه‌ی کسانی که

ص: ۶۲

۱- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۰۱/۰۱.

۲- بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۳/۱۲/۱۱.

۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش شناسی انقلاب، ۱۳۷۷/۱۲/۱۵.

۴- بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹.

۵- بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۰۶/۱۸.

۶- دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴.

در جبهه های عظیم مثل جبهه ی انقلاب اسلامی به دشمن پشت کرده و فرار می کنند، اوّل در جبهه ی دل خود شکست می خورند. یا مرعوب می شوند یا مجذوب جلوه های دنیا یا آلوده به شهوات می گردند یا پول و مقام آن ها را فریب می دهد و یا چهره ی چاپلوس دشمن دچار گمراهی شان می کند. انسان اوّل در دل خود شکست می خورد و هزیمت می کند، بعد هزیمت او در جبهه ی بیرونی آشکار می شود. (۱)

قرآن به طور صریح در این زمینه با ما حرف می زند؛ می گوید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ نعمتی که خدا به شما داد، محال است از شما بگیرد، مگر شما شرایط خودتان را عوض کنید. چون نعمت الهی، بی حساب و کتاب نیست؛ خدا تحت شرایطی نعمتی را به کسی می دهد. اگر آن شرایط را حفظ کردید، محال است که نعمت، از بین برود و پس گرفته بشود. (۲)

قرآن به ما یاد داده است که همیشه از اشتباهات خود یاد کنیم: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا». نباید اسراف، زیاده روی، کوتاهی ها و افراط و تفریط خودمان را از یاد دور کنیم؛ باید به فکر اصلاح آن ها باشیم؛ اما این نباید ما را از عامل

ص: ۶۳

۱- بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹.

۲- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۰۱/۰۱.

تشدیدکننده ی اشکالات که همان دشمن بیرونی است، غافل کند. در همین آیه ی شریفه که به ما تعلیم می دهد از گناه و اسراف خود استغفار کنیم، بافاصله می فرماید:

« وَتَبَّتْ أَعْدَامُنَا وَأَنْصُرُنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ »؛ یعنی دشمن بیرونی را هم مورد غفلت قرار ندهید. اوست که از اشتباهات شما حدّ اکثر بهره را می برد. لذا دشمن بیرونی اشتباهات را تشدید می کند. در داخل کشور ممکن است خیلی از چیزها به طور طبیعی

زمینه داشته باشد. فرض کنید فساد و رواج فساد در بخش هایی - چه بخش های دولتی و چه بخش های غیردولتی - یا آلودگی های شهوانی در بین بعضی از مردم یا بخش هایی از جوانان ممکن است وجود داشته باشد - زمینه های طبیعی هم دارد - اما

وقتی که دشمن به فکر این است که یک ملت را زمین گیر کند، همین عوامل ابزاری در دست دشمن می شود و آن ها را تشدید می کند. (۱)

ص: ۶۴

تداوم انقلاب و حفظ جمهوری اسلامی، یک واجب عینی و اهم تکلیف‌هایی است که خدا دارد؛ از نماز اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه این حفظ اسلام و نماز فرع اسلام است. حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر - و لو امام عصر باشد - اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه امام عصر هم خودش را برای اسلام فدا می‌کند. همه انبیا که از صدر عالم تا حالا آمدند، برای کلمه حق و برای دین خدا مجاهده کردند

و خودشان را فدا کردند. پیامبر اکرم آن همه مشقات را کشید و اهل بیت معظم او آن همه زحمات را متکفل شدند و جانبازی‌ها را کردند؛ همه برای حفظ اسلام است. (۱)

بر همین اساس امام (رحمه الله عیه) حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را اوجب واجبات می‌دانست و نه از اوجب واجبات. واجب‌ترین واجب‌ها، صیانت از جمهوری اسلامی است؛ چون صیانت از اسلام به معنای حقیقی کلمه - وابسته‌ی به صیانت از نظام سیاسی اسلامی است و جمهوری اسلامی مظهر حاکمیت اسلام است. (۲)

ص: ۶۶

۱- صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۸۶ صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۶۵.

۲- خطبه‌های نماز جمعه ی تهران در حرم امام خمینی (رحمه الله عیه)، ۱۴ / ۰۳ / ۱۳۸۹.

این حفظ کردن را می توان با یک تفسیر محافظه کارانه معنا کرد؛ اما حفظ انقلاب به معنای حفظ وضع موجود نیست. چون انقلاب در ذات خود یک حرکت پیش رونده است، آن هم پیشرفت پرشتاب به سمت هدف های ترسیم شده. هدف هایی که عوض نمی شوند و تغییرپذیر نیستند هرچند در جهت حرکت به سمت این اهداف، سرعت ها قابل کم و زیاد شدن و شیوه ها و تدابیر قابل تغییر یافتن است. در این جهت، انقلاب پیش رونده و پیش برنده است. حفظ انقلاب یعنی حفظ همین حالت پیش روندگی و پیش برندگی. (۱)

لوازم صیانت از انقلاب

برای حفاظت و صیانت از انقلاب اسلامی سه لازمه ی مهم وجود دارد:

اول شناخت درست و عمیق از مبانی نظری انقلاب اسلامی است. کسانی که تنها با احساسات و بدون تکیه گاه نظری مستحکم وارد این میدان شدند، با یک تندباد سرنگون گردیده و راهشان عوض شد. کسانی می توانند در این حرکت و

ص: ۶۷

مسیر محکم بایستند که شناخت عمیقی از مبانی نظری انقلاب داشته باشند.^(۱) باید انقلاب را با همه ی وجود و تا اعماق جان نفوذ و رسوخ داد و مفهوم انقلاب و مبانی

فکری آن را از بن دندان درک کرد.^(۲) لغزش خیلی از افراد در تاریخ انقلاب، از همین عدم تعمق در امر دین و معارف اسلامی ناشی بود. شعائر و شعارهایی بر زبانشان بود، اما در دلشان عمق نداشت. لذا تاریخ انقلاب شاهد کسانی است که در ابتدا آدم های

خیلی تُند و داغ و پرشوری بودند، اما بعد وضعشان صد و هشتاد درجه عوض شد.

ابتدا افرادی مثل شهید بهشتی را راحت و صریح از نظر انقلابی بودن و فهم درستش از انقلاب و از راه امام، نفی می کردند؛ بعد از گذشت مدتی، مشی خودشان چنان شد که مبانی انقلاب و نظام را انکار کردند! بعضی از آن ها که آدم های باانصاف تری

بودند، صریحاً و بعضی شان ملتویاً و مزوراً انکار کردند. البته عدم تعمق در دین و مبانی انقلاب یکی از عوامل لغزش و ریزش است؛ یک عامل هم شهوات و دنیاطلبی و امثال این هاست که کسانی را هم که عمق دارند، منحرف می کند.^(۳)

ص: ۶۸

۱- بیانات در دانشگاه امام حسین (علیه السلام) در مراسم میثاق پاسداری، ۰۶ / ۰۳ / ۱۳۹۲ .

۲- بیانات در دیدار با دانشجویان و دانش آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه، ۱۰ / ۰۸ / ۱۳۶۸ .

۳- بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۷ / ۰۷ / ۱۳۸۴

دوم شناخت تاریخ انقلاب اسلامی یعنی شناخت عینیت این نظریه و تجربه ی عملی آن است. این انقلاب مثل خیلی از حرف های دیگری که در دنیا معمول است، صرف ادعا نیست؛ یک دامنه ی وسیعی از تجربه و عمل در مقابل آن است. این

انقلاب آزموده و تجربه شده است. مبانی انقلاب در میدان عمل، صدق خود را ثابت کرده است. اگر امام عزیز ما به ما یاد می داد که به خدا توکل کنیم، اعتماد کنیم، حسن ظن داشته باشیم، تلاش کنیم و می گفت اگر این کار را بکنید، پیروز خواهید

شد، این اتفاق افتاد؛ همچنان که در صدر اسلام اتفاق افتاد و امیرالمؤمنین علیه الصّلاه و السلام در نهج البلاغه فرمود: (فلما رأى الله صدقنا انزل بعدونا الكبت و انزل علينا النصر^(۱)). ملت ایران صدق خود را نشان داد؛ وارد میدان شد و در میدان عمل، این فکر و اندیشه و این مبانی نظری تجربه شد؛ این را باید در تاریخ انقلاب دید.

چرا دشمنان در تبلیغات خود تلاش می کنند نقطه ضعف های کوچک ما را در چشم خودمان - چه برسد در چشم دیگران - ده برابر بزرگ کنند؟ برای این

است که همین تجربه را از یاد ما ببرند؛ برای اینکه فراموش کنیم که مبانی نظری ما تجربه شده است و در میدان عمل، خودش را ثابت کرده است. با آگاهی از تاریخ

ص: ۶۹

انقلاب می توان این نتیجه را به دست آورد.^(۱) تاریخ انقلاب شامل اجزا و عناصری گران بهاست که در جهان مادی کنونی، همچون حادثه ای معجز نشان و الهی، در کار دگرگون سازی جهان و تغییر مسیر انسان هاست. هر گذشت و ایثار کوچک و بزرگی که

از یکی از فرزندان انقلاب در لحظه ای از لحظات سرزده یا می زند، در تکوین این ماجرای بزرگ و بی نظیر یعنی دوران بی نظیر انقلاب اسلامی دارای تأثیری حتمی و حقیقی است و تاریخ انقلاب، مجموع همین لحظه هاست.^(۲)

توصیه ی به مطالعه خاطرات مربوط به دوران دفاع مقدس و عملیات هایی مثل عملیات بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر نیز به همین جهت است. باید تأمل شود در اینکه که بودند و چه کار کردند تا خدای متعال « انزل بعدونا الکبت » و « انزل علینا

النصر ».^(۳) از همین رو یکی از کارهای فرض و واجب، مطالعه ی تاریخ جنگ است؛ باید از آنچه که در دوران هشت سال دفاع مقدس در ایران اتفاق افتاده، مطلع بود.^(۴)

ص: ۷۰

-
- ۱- بیانات در دانشگاه امام حسین (علیه السلام) در مراسم میثاق پاسداری، ۰۶ / ۰۳ / ۱۳۹۲ .
 - ۲- پیام به گردهمایی جانبازان، در روز میلاد حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام)، ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۶۹ .
 - ۳- بیانات در دانشگاه امام حسین (علیه السلام) در مراسم میثاق پاسداری، ۰۶ / ۰۳ / ۱۳۹۲ .
 - ۴- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت کنندگان در همایش آسیب شناسی انقلاب، ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۷۷

البته منظور از تاریخ انقلاب فقط تاریخ پیروزی آن نیست بلکه شامل تاریخ شروع نهضت نیز هست. حقیقت این است که جامعه‌ی ما از قضایای طولانی این نهضت از روز شروع تا پیروزی، به تفصیل مطلع نیستند. از قضایای بعد از پیروزی هم گاهی به وسیله‌ی بعضی افراد، مختصر سخنی گفته می‌شود؛ اما به طور کامل و جامع و ریز، بخصوص با شکل‌های هنری و ماندگار و نافذ، ثبت نشده، یا خیلی کم ثبت شده است. (۱) واقعا روزه روز تاریخ انقلاب ما عبرت است؛ روزه روز این سال‌های پرتحرک و پرتلاش که انقلاب اسلامی در ایران شروع شد، می‌تواند به صورت یک نشانه‌ای، یک تابلویی، در مقابل چشم ملت‌ها قرار بگیرد و مایه‌ی عبرت باشد. (۲) در مقوله‌ی

خاطرات و تاریخ جنگ نیز این حجم کاری که انجام شده، در مقابل آنچه که باید انجام بگیرد، هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت، بسیار کمتر از آن چیزی است که باید باشد. (۳)

سومین نقطه هم تربیت خود به عنوان انسان صالح است. همه باید خودشان را

ص: ۷۱

-
- ۱- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۲ / ۱۱ / ۱۳۷۵
 - ۲- بیانات در سالروز میلاد نبی اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)، ۲۱ / ۱۱ / ۱۳۹۰ .
 - ۳- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از رزمندگان دوران دفاع مقدس، ۲۹ / ۰۷ / ۱۳۸۵ .

تربیت کنند. البته این کار برای جوانان آسان تر است چرا که با وجود آمادگی، نورانیت و پاکی دل در جوانی راحت تر می توان خود را با الگوی مورد تحسین اسلام و قرآن شکل داد. (۱)

ص: ۷۲

۱- بیانات در دانشگاه امام حسین (علیه السلام) در مراسم میثاق پاسداری، ۰۶ / ۰۳ / ۱۳۹۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

